

دکتر احمدعلی یوسفی^۱

دانشیار، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تهران، تهران، ایران.

تحلیل فقهی رقابت آزاد اقتصادی بر اساس مفهوم متداول آن

چکیده

بر اساس مبانی نظام اقتصادی سرمایه‌داری، در عرصه اقتصادی دو اصل رفتاری رقابت اقتصادی (رفتار مطلوب) و انحصار (رفتار نامطلوب) مطرح شده است. همین نگاه به ادبیات اقتصاد اسلامی و ایران نیز راه یافته است و رقابت اقتصادی محض یا رقابت اقتصادی با پسوند یا پیشوندی، رفتار اقتصادی مطلوب، شناخته شده و به عنوان مؤثرترین مؤلفه در طراحی نظام اقتصادی اسلام و ایران بر آن تاکید می‌شود. به رغم اهمیت این امر در طراحی و اجرای نظام اقتصادی اسلام و ایران، هیچ تحقیقات درخوری درباره تبیین موضوع رقابت اقتصادی، موضوعات مرتبط با آن، احکام فقهی رقابت اقتصادی و نیز احکام موضوعات مرتبط با رقابت بر اساس مبانی و فقه اسلامی صورت نگرفته است. بنابراین، این تحقیق در پی پاسخ به این پرسش است: آیا رقابت اقتصادی مورد تایید آموزه‌های اسلامی است؟ این تحقیق معتقد است که اگر بر اساس مبانی و فقه اسلامی رفتار رقابت اقتصادی تحلیل شود، این فرضیه قابل اثبات است: رقابت اقتصادی بر اساس مفهوم متداول آن، رفتاری غیر مجاز است. همچنین، در صورت جواز، اینکه این اصل رفتاری، مبنای طراحی نظام اقتصادی اسلام قرار گیرد، با تردید جدی مواجه است. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از روش‌های عقلایی، درصدد پاسخ‌گویی به پرسش مطرح شده و اثبات فرضیه تحقیق است.

واژگان کلیدی: رقابت اقتصادی، رفتار سودجویانه، انحصار اقتصادی، مسابقه اقتصادی، تبانی اقتصادی، رقابت کامل، فقه اسلامی.

مقدمه

معروف شده است که در عرصه اقتصادی دو اصل رفتاری رقابت آزاد و انحصار اقتصادی پیگیری می‌شود. همچنین معمولاً انحصار اقتصادی را امری نامطلوب و رقابت اقتصادی را امری مطلوب می‌پندارند. به همین جهت تلاش می‌شود تا نظام اقتصادی، مبتنی بر اصل رفتاری رقابت، طراحی، اجرا و پایش شود. همین نگاه نسبت به رقابت و انحصار اقتصادی به ادبیات اقتصاد اسلامی و ایران نیز راه یافته است. با توجه به این که رقابت اقتصادی یک نوع رفتار اقتصادی است که نظام اقتصادی بر آن بنا نهاده می‌شود، اما تاکنون مشاهده نشده که دستگاه فقه، شناخت موضوع، آثار و حکم این رفتار اقتصادی را مورد تحلیل فقهی قرار دهد. رقابت اقتصادی بدون تفکیک بین آن و مفاهیم مرتبط با رقابت در جمهوری اسلامی ایران، مورد تایید قرار گرفته است؛ در حالی که اگر رقابت اقتصادی غیر مجاز باشد، ممکن است در سیاست‌های اقتصادی، آن نوع رقابت مورد تایید قرار گیرد، در نتیجه عرصه اقتصادی دچار عواقب جبران‌ناپذیری گردد. بنابراین، لازم است که رقابت اقتصادی و مفاهیم مرتبط آن شناسایی و تفکیک شوند و حکم فقهی آن‌ها مشخص گردند.

بنابراین، پرسش اصلی این تحقیق عبارت است از: براساس موازین اسلامی، آیا رقابت آزاد اقتصادی در رفتارها و روابط اقتصادی مجاز و مباح است؟ در صورت مجاز بودن آن، آیا می‌تواند مبنای طراحی نظام اقتصادی اسلام یا یک بخش آن قرار گیرد؟ فرضیه تحقیق: رقابت اقتصادی براساس مفهوم متداول آن جایز نیست و در صورت جواز، اینکه این اصل رفتاری مبنای طراحی نظام اقتصادی اسلام قرار گیرد، با تردید جدی مواجه است.

پاسخ پرسش و نیز اثبات فرضیه بیان شده از روش توصیفی تحلیلی و با مطالعات کتابخانه‌ای دنبال می‌شود. برای اثبات فرضیه تحقیق و دریافت پاسخ پرسش مطرح شده، پرسش‌های ذیل باید پاسخ داده شوند:

۱. پیشینه مطالعات اسلامی
۲. مبانی هستی‌شناختی رقابت اقتصادی
۳. تبیین موضوع رقابت اقتصادی

۴. مفاهیم مرتبط با رقابت اقتصادی

۵. بررسی فقهی رقابت اقتصادی

پیشینه مطالعات اسلامی

به برخی از مهمترین مطالعات، اشاره می‌شود:

مطالعات انصاری و همکاران (رقابت سالم)

محمدجعفر انصاری و دیگران (۱۳۷۸ ش) پس از پذیرش بازار رقابت، به بیان تفاوت‌های بازار در نظام اقتصادی سرمایه‌داری و اسلامی پرداخته و بر این مطلب تأکید دارند که: در جامعه اسلامی، در کنار عملیات مکانیزم بازار، تربیت‌های خاص اسلامی، جهت‌دهی دیگری به رفتارها و فعالیت‌های اقتصادی افراد جامعه می‌دهد. همین مطلب زمینه‌ساز کارایی بهتر بازار و شکل‌گیری «رقابت سالم» در بازار اسلامی است که موجب تفاوت‌هایی در بازار اسلامی و غیر اسلامی می‌شود. سرانجام آنان از واژه رقابت در نظام اقتصادی اسلام صرف‌نظر کرده و پیشنهاد می‌کنند که واژه «رقابت اقتصادی» جای خود را به «تعاون و همکاری اقتصادی» بدهد؛ چون در بازارهای رقابتی هیچ انگیزه‌ای برای همکاری و تعاون جز به هنگام تبانی برای تغییر وضعیت بازار و انحصاری کردن آن وجود ندارد، در صورتی که تعاون و همکاری یکی از خصیصه‌های لاینفک بازار در نظام اقتصادی اسلام است. (انصاری و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۰۷)

مطالعات معصومی‌نیا (رقابت سالم نظارت‌شده)

غلامعلی معصومی‌نیا (۱۳۸۳ ش) وضعیت مطلوب در بازار اسلامی را «رقابت سالم نظارت‌شده» معرفی کرده که به دلیل حاکمیت ضوابط اسلامی واجد آثار مثبت رقابت و فاقد آثار منفی آن است. ولی وضعیت آرمانی را انجام فعالیت‌های اقتصادی بر اساس «تعاون همگانی» می‌داند. ایشان بر این باور است که اسلام، رقابت برای دستیابی به منافع مادی شخصی را تحریم نکرده؛ اما به آن اصالت نداده و ضوابط بسیاری را برای آن وضع فرموده است. بنابراین، رقابت مد نظر اسلام را می‌توان «رقابت سالم» دانست. همچنین، دولت اسلامی وظایف گسترده‌ای در ایجاد فضای رقابت سالم به عهده دارد، لذا می‌توان قید «نظارت‌شده» را هم به رقابت سالم افزود و از آن به «رقابت سالم نظارت‌شده» یاد کرد. اما صورت ایده‌آل این است که فعالیت‌های اقتصادی بر اساس

«تعاون همگانی» انجام گیرد، نه رقابت. در این صورت، مقدم داشتن دیگران بر خود و در نظر گرفتن مصالح جامعه اسلامی، اساس فعالیت‌ها و مبادلات را تشکیل خواهد داد و همه فعالیت‌ها با کمک یکدیگر برای رفع نیازهای جامعه صورت خواهد گرفت. (معصومی‌نیا، ۱۳۸۳: ۸۰-۵۵)

مطالعات میرمعزی (رقابت و تعاون)

سید حسین میرمعزی (۱۳۹۰) در فصل هفتم از کتاب نظام اقتصادی اسلام پس از بحث از رقابت در نظام اقتصادی سرمایه‌داری، قائل به اصل «رقابت و تعاون» در اسلام شده است. ایشان معتقد است که رقابت به معنای «مسابقه برای کسب درآمد» در اسلام نه به کلی نفی و نه به صورت مطلق پذیرفته شده است. این مسابقه در چهارچوب قواعد اخلاقی (نظیر انصاف، احسان، رفق و مدارا با مردم و...) و حقوقی اسلام (مانند عدالت، رضایت و آزادی اختیار در قراردادهای، علم به ویژگی‌های مورد معامله، وجوب وفا به عهد و عقد و شرط‌های ضمن عقد، صداقت در معاملات و قراردادهای، قاعده نفی ضرر، اتلاف، حرمت احتکار، ربا و کم‌فروشی، وجوب رعایت مصالح نظام) پذیرفته می‌شود. این چهارچوب‌ها همچون فیلتری رقابت را از آثار سوء آن پاکسازی کرده و در راستای هدف‌های نظام اقتصادی اسلام قرار می‌دهند. به عبارت دیگر، این مسابقه همانند هر مسابقه دیگری دارای قواعد و مقرراتی است که برخی از آن‌ها اخلاقی است و برخی دیگر به داور نیاز دارد. در هر مسابقه‌ای قواعد به گونه‌ای تنظیم می‌شود که مسابقه در چهارچوب آن قواعد منتج به نتیجه مورد نظر باشد. در اسلام نیز قواعد اخلاقی و حقوقی این مسابقه به گونه‌ای تعیین شده است که رقابت در کسب درآمد در چهارچوب این قواعد به نتیجه مورد نظر (هدف‌های نظام اقتصادی) منجر شود. (میرمعزی، ۱۳۹۰: ۴۴۸-۴۳۳)

نویسنده‌ی مقاله نیز در کتاب نظام اقتصاد علوی با بررسی رقابت اقتصادی نظام سرمایه‌داری و علت شکل‌گیری چنین رفتاری در عرصه‌ی اقتصادی براساس مبانی نظام سرمایه‌داری، انگیزه‌های رقابت در اقتصاد اسلامی را آرایه داد و معتقد شد که رقابت اقتصادی در اقتصاد اسلامی عبارت است از: «چشم و هم‌چشمی افراد و ترغیب شدن آنان از تلاش دیگران برای سعی بیشتر در فعالیت‌های اقتصادی برای کسب سود بیشتر است؛ به طوری که این رفتار آن‌ها به حد رفتار انحصارگرانه یا به حد ارتکاب امور حرام و

ضد ارزشی نرسد.» وی رقابت به این معنا را حقّ همه‌ی فعالان اقتصادی می‌داند و معتقد است فعالان اقتصادی در برابر حقّ بهره‌مندی از رقابت اقتصادی، مواجه به یک‌سری مسئولیت‌های حقوقی هستند. به همین جهت رقابت اقتصادی در اقتصاد اسلامی را رقابت اقتصادی مسئولانه نام نهاد. (یوسفی، ۱۳۸۶: ۳۶۵-۳۸۲)

پیشینه‌ی مطالعات درباره‌ی اصل رفتاری رقابت نشان می‌دهد که محققان اقتصاد اسلامی دغدغه‌ی جدّی تبیین رقابت و آثار آن را داشته‌اند و تلاش علمی آنان بسیار ارزشمند می‌باشد. اما به‌رغم تلاش‌های علمی انجام گرفته، به‌نظر می‌رسد که تبیین دقیق موضوع رقابت اقتصادی و مفاهیم مرتبط با آن و نیز بررسی حکم فقهی رفتار رقابت اقتصادی، نیازمند تحقیق جدیدی است. البته، نویسنده مدعی نیست که توان لازم برای بررسی دقیق حکم فقهی رقابت را دارد و از عهده‌ی چنین امر مهمّ و نوپیدایی به‌طور کامل برمی‌آید، بلکه به عنوان یک تحقیق جدید، تلاش می‌کند تا مسیر این بررسی را نشان دهد و نتایج تلاش علمی را به جامعه علمی و فقهی ارائه دهد تا اندیشه‌مندان اقتصادی و حوزوی، پیگیری علمی این قبیل مباحث را در دستور کار قرار دهند.

مبنای هستی‌شناختی رقابت اقتصادی

نظام سرمایه‌داری با جمع بین توحید در خالقیت و کفر در ربوبیت خدای متعال، اراده‌ی الهی را به عنوان خاستگاه کشف و طراحی نظام اقتصادی الغا کرد و اراده‌ی انسان و انسان‌محوری را به عنوان خاستگاه کشف و طراحی نظام اقتصادی قرار داد. آن‌گاه با ارائه‌ی مبانی انسان‌شناختی خاصی به این نتیجه رسید که خواست و اراده‌ی انسان در عرصه‌ی اقتصادی، تامین منافع مادی شخصی است. باستیا یکی از بنیانگذاران نظام سرمایه‌داری ضمن تاکید بر این امر معتقد است که انسان همه چیز را برای خود و تنها برای خود می‌خواهد؛ به گونه‌ای که پیگیری منفعت مادی شخصی او را برای تحصیل یک وضع انحصاری، برمی‌انگیزد. (بدن، ۱۳۴۳: ۱۹۳)

براساس هدف بیان شده، هر کسی منافع مادی بیشتری کسب کند، انسانی سعادت‌مندتر است. به عبارت دیگر، نظام سرمایه‌داری از انسان می‌خواهد تا در فعالیت اقتصادی حریصانه، با خودخواهی تمام و انحصارگرانه در پی منافع مادی بیشتر باشد. کینز نیز به دنبال چنین خاستگاهی صراحتاً بیان می‌کند: «ما باید به مردم پیاموزیم که

بد، خوب است و خوب، بد است. حرص، طمع، آز و رباخواری در فعالیت‌های اقتصادی برای حداکثر کردن سود مادی شخصی عامل مهم و مفیدی است. فداکاری، ایثار و کمک به دیگران بد است. با تغییر آموزه‌های اخلاقی و ارزشی، پیشرفت اقتصادی ممکن است.» (مک‌فرسون، ۱۳۶۹: ۲۳-۱۲۲)

از آنجا که امکانات اقتصادی نسبت به خواسته‌های نامحدود انسان، محدود است؛ در کسب منافع مادی بیشتر، رقابت بین فعالان اقتصادی اتفاق می‌افتد. بنابراین، مقصود از رقابت، عبارت است از: تلاش هر فعال اقتصادی برای محروم کردن دیگر فعال اقتصادی و به انحصار درآوردن منافع مادی‌ای که هدف مورد نظر هر دوی آنان می‌باشد. (بدن، همان: ۱۹۳)

در این فرآیند کسانی که توان ماندن در بازار را ندارند، ورشکست شده، از گردونه رقابت خارج می‌شوند و تنها شایسته‌ها از جهت میزان سرمایه و قدرت اقتصادی، در عرصه اقتصادی باقی می‌مانند. (Schnitzer, ۲۰۰۰, ۲۶)

آنچه بیان شد، نشان می‌دهد که رقابت اقتصادی ماهیتاً یک رفتار انحصارگرانه است. کما این که قبل از ایجاد بحران‌های بزرگ اقتصادی، شارل فوریه با تیزهوشی بی‌نظیری اعلام کرد: رقابت عامل از بین رفتن ضعیفان توسط قدرتمندان انحصارگر اقتصادی، منشأ فساد، موجب نفاق و نزاع بین کارفرما و کارگر و مصرف کننده و حتی موجب از بین رفتن رقابت است. (ایسینگ، ۱۳۷۴: ۱۰۰) کما این که لوی بلان گفته بود «رقابت قاتل رقابت است». (قدیری اصلی، ۱۳۷۶: ۱۳۹) پس از آن‌ها نیز ویکتور دو کنیدران تاکید می‌کند که رقابت اقتصادی در تمام زمینه‌ها موجب انحصار می‌شود. (ژید و ژیست، ۱۳۷۰: ۳۶۹) همچنین، کینز در سال ۱۹۳۶ اظهار داشت که بهشت فرضی رقابت آزاد و کامل، منسوخ شده و انحصارات بزرگ جای آن را گرفته است. (تفضلی، ۱۳۷۲: ۳۶۶ و ۳۸۹) حتی برخی نویسندگان و محققان اقتصاد خرد، رقابت اقتصادی را به دشمنی در عرصه اقتصادی تعبیر کرده‌اند. (نظری، ۱۳۸۹: ۳۷۰) در واقع رقابت اقتصادی به مفهوم متداول آن برخلاف آنچه در اذهان خیلی‌ها رسوخ کرده است، به اعتراف سردمداران نظام اقتصادی سرمایه‌داری ماهیتاً یک رفتار انحصارگرانه است.

مطالب بیان شده نشان می‌دهد که نظام اقتصادی سرمایه‌داری با قائل شدن به کفر در ربوبیت الهی، اراده انسان را به عنوان خاستگاه کشف و طراحی نظام اقتصادی قرار

داد. بر اساس آن، مفهوم خاصی را به عنوان هدف فعالان اقتصادی استخراج کرد. مبتنی بر آن هدف، واژه رقابت اقتصادی را تولید کرد و نظام اقتصادی خود را بر آن هدف و اصل رفتاری رقابت، بنیان نهاد.

مطلب مهمی در استفاده از واژه‌ی رقابت اقتصادی باید مورد ملاحظه قرار گیرد. این واژه از واژه‌های ارزش‌محور نظام سرمایه‌داری است؛ یعنی واژه‌ای است که از مبانی هستی‌شناختی خاصی ناشی شده و به عنوان یک اصل رفتاری مسلّم و قطعی تلقی گردید. خاصیت واژه‌های ارزش‌محور آن است که در جهت‌دهی اذهان، رفتار و حتی علوم انسانی به سمت و سوی خاصی نقش اساسی دارند. بنابراین، حدالمقدور باید از بکارگیری این قبیل واژه‌ها، به‌ویژه به عنوان یک اصل و قاعده، پرهیز شود و از واژه‌هایی که متناسب با مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی اسلام هستند، استفاده گردد. در خصوص واژه‌ی توسعه که یک واژه‌ی ارزش‌محور است مقام معظم رهبری در اولین نشست اندیشه‌های راهبردی در پرهیز از بکارگیری آن و استفاده از واژه پیشرفت، تاکید دارند (بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۸۹/۹/۱۰).

پس باید دقت نمود و معانی‌ای را که با معنای رقابت تفاوت دارند، واژه رقابت برای آن‌ها به کار گرفته نشود. چون به‌کارگیری این واژه باعث جهت‌دهی اذهان و نیز رفتارها و روابط در عرصه‌ی اقتصادی به سمت همان معنای رقابت اقتصادی نظام سرمایه‌داری می‌شود، آن‌گاه ممکن است چنین رفتاری در عرصه اقتصادی نهادینه شود و جامعه اسلامی دچار آسیب‌های ناشی از چنین رفتاری گردد. افزون بر آن، با بکارگیری واژه‌ی رقابت اقتصادی، تفکیک بین مفهوم آن و مفاهیم مرتبط با آن و نهادینه نمودن معنای مطلوب رقابت در رفتارها و روابط اقتصادی، امر دشوار؛ بلکه غیر ممکن است. آنچه در پیشینه‌ی تحقیق بیان شد، گواه بر این مطلب است. چون به‌رغم زحمات قابل تقدیر، اما محققان بیان نکرده‌اند که چگونه می‌توان در عمل بین رقابت شکل گرفته در نظام سرمایه‌داری و مثلاً رقابت و تعاون یا رقابت سالم تفکیک نمود و مردم را به آن هدایت کرد؟ در بحث مفاهیم مرتبط با مفهوم رقابت اقتصادی، این مطلب بیشتر روشن می‌شود.

تبیین موضوع رقابت اقتصادی

از آنجا که موضوع هر حکمی، در حکم علت برای آن حکم می‌باشد، لازم است تا ابتدا موضوع رقابت اقتصادی و آثار آن مشخص شود. برای رقابت اقتصادی دو معنا ارائه شده است که با هم تفاوت اساسی دارند. نظام سرمایه‌داری بازاری را با فروزی در نظر می‌گیرد که بازار آزاد رقابت کامل گفته می‌شود. البته، به اعتراف اقتصاددانان نظام سرمایه‌داری و غیر سرمایه‌داری، امکان وقوع فروض و شرایط رقابت کامل در خارج محال عرفی است. اگر هم واقع شود، بسیار نادر است که در حکم عدم می‌باشد. حتی گفته‌اند که بازار رقابت کامل، شایستگی آن را ندارد که رقابت نامیده شود. بنابراین، رقابت به این معنا، موضوع بررسی این تحقیق نیست؛ بلکه رقابت به معنای «تلاش هر فعال اقتصادی برای محروم کردن دیگر فعال اقتصادی و به انحصار درآوردن منافع مادی‌ای که هدف مورد نظر هر دوی آنان می‌باشد» مورد تحلیل فقهی قرار می‌گیرد. اگر رقابت اقتصادی دارای سطوح و معانی متفاوتی باشد، به نظر می‌رسد رقابتی که دارای این عناصر باشد، بدترین و شدیدترین نوع رقابت است. در نتیجه اگر رقابتی مورد نهدی قرار گیرد این نوع رقابت مصداق قطعی آن است. بنابراین، اگر کسی تکنولوژی تولید کالایی را ارتقا دهد یا بهره‌وری عوامل تولید را بهبود ببخشد، در نتیجه هزینه‌های واقعی تولید را کاهش دهد و بخش اعظم بازار را برای مدتی در اختیار بگیرد، از موضوع رقابت به مفهوم متداول آن، خارج است. در ادامه، مفاهیم مرتبط با این معنا بررسی می‌شود تا موضوع بررسی حکم فقهی دقیق روشن گردد.

مفاهیم مرتبط با رقابت اقتصادی

برخی رفتارها و روابط اقتصادی در عرصه اقتصادی اتفاق می‌افتد که عنوان رقابت اقتصادی بر آن‌ها صدق نمی‌کند؛ ولی به جهت برخی شباهت‌های جزئی با رقابت اقتصادی، به اشتباه به آن نوع رفتارها نیز رقابت اقتصادی گفته می‌شود. البته، اطلاق رقابت اقتصادی بر آن نوع رفتارها از باب مجاز اشکال ندارد؛ ولی این کاربرد در تالیفات اقتصاد اسلامی روشن نیست. بنابراین، برای این که چارچوب مفهومی رقابت نسبت به برخی مفاهیم مرتبط دقیقاً روشن شود تا حکم فقهی یکی بر دیگری مترتب نشود و رفتار اقتصادی غیرمجاز، مباح تلقی نگردد و نیز رفتار اقتصادی مجاز، در شمار رفتار

غیرمباح قرار نگیرد، لازم است تا مفاهیم مرتبط با رقابت اقتصادی و حکم فقهی آن‌ها اشاره شوند.

۱- رفتار سودجویانه

اگر کسی برای کسب سود بیشتر، بدون توجه به سایر فعالان اقتصادی و محدود کردن منافع مادی آنان تلاش کند، رفتار او رقابت اقتصادی مصطلح نامیده نمی‌شود؛ بلکه چنین رفتاری، رفتار سودجویانه است. از باب مثال، اگر کسی با ابتکارات و اختراعاتی، هزینه‌های تولیدی خود را کاهش دهد یا بازاریابی دقیقی انجام دهد تا کالاهای تولیدی خود را با قیمت بهتری بفروشد، چنین رفتاری، رقابت اقتصادی مصطلح محسوب نمی‌شود. چون این نوع رفتار اقتصادی، رفتاری عقلایی است که هر فعال اقتصادی، حتی اگر رقیب هم نداشته باشد، برای سود بیشتر خود انجام می‌دهد. بنابراین، رفتار سودجویانه با رقابت اقتصادی متفاوت است. در واقع، رفتار سودجویانه نسبت به رقابت اقتصادی، عموم و خصوص مطلق است. هر رقابت اقتصادی، رفتاری سودجویانه است؛ اما هر رفتار سودجویانه، رقابت اقتصادی محسوب نمی‌شود. رفتار سودجویانه‌ای که همراه با مبارزه با سایر فعالان اقتصادی و محروم کردن آنان باشد، رقابت اقتصادی است. رفتار سودجویانه ممکن است در برخی موارد حکم استحبابی یا وجوبی داشته باشد. از باب مثال اگر کسانی واجب‌النفقه فردی باشند، آن فرد برای تامین هزینه زندگی خود و افراد واجب‌النفقه‌اش حق دارد به قصد سودجویی، تجارت کند و سود کسب نماید؛ بلکه در این صورت بر وی واجب است تا برای کسب سود مادی، اقدام به تجارت نماید. یا اگر به جهت توسعه اقتصادی برای افراد واجب‌النفقه خود به قصد تحصیل سود مادی اقدام به فعالیت اقتصادی کند، این رفتار او بر طبق برخی روایات امر مستحبی محسوب می‌شود. (کلینی، ۱۴۱۳: ۱۲-۱۱) بنابراین، باید توجه داشته باشیم تا هر نوع رفتار سودجویانه، رقابت به معنای متداول تلقی نشود. البته، مصادیق رفتارهای سودجویانه که با رقابت به مفهوم بیان شده، تفاوت داشته باشند، ممکن است فراوان باشد. از باب مثال کسی ممکن است برای افزایش سود خود، تکنولوژی تولید را ارتقا بدهد یا بهره‌وری عوامل تولید را بهبود ببخشد، از این رهگذر ممکن است برخی تولیدکنندگان سنتی ار عرصه تولید سنتی خارج شوند. در واقع چنین رفتاری منشا بهره‌مندی جامعه از منافع اقتصادی می‌شود، هر چند ممکن است

برخی تولید کنندگان سنتی از عرصه تولید سنتی خارج شوند و ناچار گردند تا به کاروان تولید پیشرفته ملحق شوند. در این تحقیق با توجه به تعریفی که برای رقابت اقتصادی ارایه شد، این رفتار، رقابت اقتصادی مورد تحلیل فقهی در این نوشتار نیست؛ هرچند ممکن است برخی افراد به این نوع رفتار اقتصادی واژه رقابت را اطلاق کنند.

۲- تبانی اقتصادی

تبانی فعالان اقتصادی به دو صورت ممکن است: گاهی با هم تبانی می‌کنند تا کالاهای خود را با قیمت معینی به بازار عرضه کنند تا مواجه با ضرر و زیان نشوند. گاهی به قصد محروم کردن سایر فعالان اقتصادی با هم تبانی می‌کنند تا در رقابت با آنان، انحصار در بازار ایجاد نمایند و عرضه کالاها را در اختیار بگیرند و آنگاه کالاها را به قیمت گزاف بفروشند. شکل دوم تبانی، مصداق رقابت اقتصادی متداول و مصطلح است. اما شکل اول تبانی که بدون توجه به منافع سایر فعالان اقتصادی و محدود کردن یا ضرر رساندن به آنها انجام می‌شود، رقابت اقتصادی مصطلح نیست. بنابراین، تبانی نسبت به رقابت اقتصادی عموم و خصوص من وجه است. چون برخی رفتارهای اقتصادی - مانند شکل اول تبانی - مصداق تبانی محسوب می‌شوند، اما مصداق رقابت اقتصادی نیستند. بعضی رفتارهای اقتصادی - مانند شکل دوم تبانی - هم مصداق تبانی اقتصادی و هم مصداق رقابت اقتصادی محسوب می‌شوند. تعدادی از رفتارهای اقتصادی تنها مصداق رقابت اقتصادی است، اما تبانی اقتصادی محسوب نمی‌شود؛ همانند مواردی که یک فرد بدون تبانی با دیگران به رقابت با سایر فعالان اقتصادی می‌پردازد. هر یک از این موارد ممکن است حکم فقهی جدایی داشته باشد. آنچه در این تحقیق مورد نظر است، بررسی حکم فقهی رقابت اقتصادی مصطلح ناشی از مبانی نظام اقتصادی سرمایه‌داری است.

۳- مسابقه اقتصادی

مسابقه اقتصادی نوعی رفتار اقتصادی است که هر فعال اقتصادی در ارتباط با سایر فعالان اقتصادی برای کسب منافع بیشتر اقتصادی دنبال می‌کند. این رفتار اقتصادی، به دو گونه اتفاق می‌افتد:

گاهی یک فعال اقتصادی نسبت به سایر فعالان اقتصادی تلاش بیشتری می‌کند تا

منافع مادی بیشتری نصیب وی شود، ولی در عین حال درصدد محروم کردن دیگران و به انحصار درآوردن امکانات اقتصادی نیست. از باب مثال فردی دارای بنگاه اقتصادی عرضه کالاها است. وی تلاش می‌کند تا هر روز زودتر بنگاه اقتصادی خود را باز کند یا دیرتر آن را تعطیل نماید تا کالای بیشتری بفروشد و سود بیشتری نصیبش شود. گاهی هم یک فعال اقتصادی برای تحصیل سود بیشتر به مبارزه با سایر فعالان اقتصادی اقدام می‌کند تا آنان را از منافع مادی محروم کند و خود به منافع اقتصادی بیشتری دست یابد. این نوع مسابقه اقتصادی، مصداق رقابت اقتصادی است. بنابراین، مسابقه اقتصادی نسبت به رقابت اقتصادی عموم و خصوص مطلق است. یعنی هر رقابت اقتصادی نوعی مسابقه اقتصادی محسوب می‌شود؛ اما گاهی رفتار اقتصادی، تنها مصداق مسابقه اقتصادی محسوب می‌شود.

بررسی حکم فقهی رقابت اقتصادی

آیات قرآن

خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ.
(مطففین/ ۲۶)

[باده‌ای که] مُهر آن، مُسک است، و در تحصیل این [نعمتها] رقابت کنندگان باید با هم رقابت کنند.

در این آیه، تنافس (رقابت) در تحصیل نعمت‌های اخروی مورد تحسین قرار گرفته است. در این نوع رقابت، رقابت کنندگان هرگز درصدد محروم کردن سایرین از نعمت‌های مادی نیستند؛ بلکه معمولاً با ایثار و گذشت از نعمت‌های دنیایی، برای تحصیل نعمت‌های گسترده، بی‌بدیل و جاودان اخروی با هم رقابت می‌کنند. بنابراین، مقصود از رقابت در این آیه، رقابت مصطلح نمی‌باشد.

لِيَبْلُوكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَيْقُوا الْخَيْرَاتِ. (مائده/ ۴۸)

برای این‌که [خداوند] شما را در آنچه به شما داده است، می‌آزماید. پس در کارهای نیک بر یکدیگر سبقت گیرید.

ممکن است کسی مدعی شود که این آیه بر حکم اباحه، بلکه استحباب رقابت دلالت دارد. چون امر به سبقت در خیرات کرده است. روشن است که چنین ادعایی باطل

است. چون از سیاق آیه استفاده می‌شود که خداوند از کسانی که صاحب مال و دارایی هستند، می‌خواهد که بخشش و گذشت داشته باشند و در ایثار و بخشش مال و دارایی خود نسبت به هم سبقت بگیرند، نه آنکه در کسب مال و دارایی بیشتر از دیگران سبقت بگیرد و آنان را محروم از منافع مادی کنید. بنابراین، از این آیه نیز نمی‌توان حکم رقابت به مفهوم متداول را استفاده نمود. بنابراین، به نظر می‌رسد با بررسی آیات قرآن نمی‌توان مدعی شد که برخی آیات مردم را به رقابت در امور اقتصادی تشویق و ترغیب کرده‌اند.

روایات

تمسک به قاعده «تسلط» که مستفاد از «الناس مسلطون علیٰ اموالهم» آن است که هر انسانی حق دارد تا برای بهره‌مندی از امکانات اقتصادی بیشتر با استفاده از اموال و دارایی خود به رقابت اقتصادی با دیگران اقدام کند. بنابراین، مقتضای قاعده تسلط جواز رقابت اقتصادی است.

لازم است توجه شود که مقتضای قاعده «الناس مسلطون علیٰ اموالهم» آن است که مردم حق دارند اموال و دارایی خود را در مجاری و موارد مباح و مجاز استفاده کنند. بنابراین، اگر دلیلی بر جواز فعل یا رفتاری وجود داشته باشد، این قاعده در آن موارد جاری می‌شود؛ ولی اگر بر عدم جواز فعل و رفتاری دلیلی وجود داشته باشد، دیگر مجرای این قاعده نخواهد بود. در ادامه روایات ناظر به حکم رقابت اقتصادی بررسی می‌شود و در صورتیکه بر عدم جواز رقابت دلالت کنند، مجرای قاعده نخواهد بود. البته، اگر درباره قاعده تسلط بپذیریم که که وقتی در موردی دلیلی بر حرمت پیدا نکردیم، به مقتضای این قاعده، حکم شرعی جعل می‌شود، در این صورت حکم جواز را می‌توان از این قاعده استفاده نمود. بنابراین، اگر از ادله‌ای که بیان می‌شود، دلالت بر عدم جواز رقابت به معنای متداول داشته باشند، نمی‌توان از این قاعده استفاده نمود. ولی اگر ادله دلالت بر حرمت رقابت نکنند، مجرای این قاعده خواهد بود و می‌توان حکم به جواز رقابت اقتصادی به معنای متداول نمود.

رسول خدا(ص) رقابت اقتصادی را موجب هلاکت امت‌ها از جمله امت اسلامی

معرفی می‌کند:

فوالله ما الفقر أخشى عليكم، ولكن أخشى عليكم
ان تبسط الدنيا عليكم كما بُسطت على من قبلكم

فتنافسوها فتُهلککم كما اهلکتهم. (البخاری، ۱۴۲۲:، ۵ / ۱۹-۱۸؛ ۱۷۳/۷ - ۱۷۲؛ مسلم بن حجاج، ۸ / ۲۱۲؛ الترمذی، ۱۴۲۶: ۴ / ۵۶ و ابن ماجه، ۱۴۲۴: ۲ / ۱۳۲۵ - ۱۳۲۴) (۱۳۲۴)

به خدا سوگند من از فقر نسبت به شما نمی ترسم، بلکه از آن می ترسم که دنیا به شما روی آورد، همان گونه که به اقوام گذشته قبل از شما روی آورد؛ آنگاه برای به چنگ آوردن آن با هم به رقابت برخیزید و شما را نابود کند که این که اقوام گذشته را نابود کرد.

رسول گرامی اسلام به صراحت واژه «تنافسوها» را استعمال کرده است. یعنی من می ترسم که بعد از گشایش دنیا به سوی شما، در تحصیل آن با هم رقابت کنید و این رقابت شما را به هلاکت برساند. البته، هرچند بیان رسول گرامی اسلام رقابت به معنای اعم از رقابت در مال و ثروت را شامل می شود، اما به قرینه «ان تبسط الدنيا» مصداق کامل آن، رقابت در مال و ثروت است؛ در غیر این صورت، شایسته بود آن حضرت (ص) تعبیر به «روی آوری حکومت» می نمود.

از ظهور روایت می توان استفاده نمود که این رقابت مصداق رقابتی است که در این نوشتار به دنبال آن هستیم. بیان شد که رقابت مورد بحث ما دارای عنصر محروم نمودن دیگران و به انحصار درآوردن امکانات اقتصادی است. به نظر می رسد منظور رسول خدا (ص) از رقابت در امور دنیایی بعد از گشایش دنیا به سوی امت اسلامی، رقابتی است که در آن عنصر محرومیت دیگران و به انحصار درآوردن منافع مادی باشد. این نوع رقابت است که موجب نزاع و هلاکت می شود. البته، در مقابل هر نوع ظهوری عقلایی ممکن است احتمالاتی وجود داشته باشد، اما به این قبیل احتمالات نباید اعتنا نمود؛ چون در آن صورت اساساً ظهورات از حیث انتفا خارج خواهند شد.

استدلال به روایت: اگر رفتاری در عرصه اقتصادی باعث هلاکت امت اسلامی شود، هرگز نمی تواند از منظر شریعت اسلامی مجاز و مباح باشد.

ممکن است در استفاده حکم بیان شده از این روایت اشکال شود که:

۱. حکم مستفاد از روایت، حکم ارشادی است که به آثار و عواقب رقابت اقتصادی اشاره دارد نه حکم مولوی. بلکه از کلام رسول خدا (ص) نمی توان نهی استفاده کرد و تنها ما را به آثار رقابت در امور دنیایی ارشاد می کند.

اما از بیان رسول خدا(ص) شاید بتوان به نحو دیگری استفاده بر حکم بیان شده نمود. عملی که موجب هلاکت امت اسلامی شود، عقلاً عملی قبیح و ظالمانه محسوب می‌شود. قبح عقلی چنین رفتاری مستلزم حرمت شرعی می‌شود.

۲. به لحاظ سندی این روایت ضعیف است. چون روایت نبوی و تنها در منابع روایی اهل سنت وارد شده است. بنابراین، به‌عنوان دلیل مستقل قابل استناد نیست.

روایت دیگر از رسول الله(ص): *إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (ع) وَ الْعَبَّاسَ بْنَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ الْفَضْلَ بْنَ الْعَبَّاسِ دَخَلُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي مَرَضِهِ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ ... ثُمَّ قَالَ (ص) ... فَلَا تَنَافَسُوا وَ لَا تَحَاسَدُوا وَ لَا تَبَاغَضُوا وَ كُونُوا إِخْوَاناً* (مجلسی، ۱۳۷۹: ۴۷۵/۲۲، به نقل از مجالس، شیخ مفید، ۲۸)

رسول گرامی اسلام(ص) در مرضی که قبض روح شده بود و علی ابن ابیطالب(ع)، عباس ابن عبدالمطلب و فضل ابن عباس بر رسول الله(ص) وارد شدند و نگرانی‌های انصار را بیان کردند. آن‌گاه رسول خدا(ص) مطالبی بیان فرمود، از جمله فرمود: با هم رقابت نکنید و نسبت به هم حسد و بغض نوزید و با هم برادر باشید.

استدلال به روایت: رسول گرامی اسلام(ص) در این روایت مردم را از رقابت در امور دنیایی نهی فرموده است. کلام رسول گرامی اسلام اطلاق دارد و یکی از مصادیق آن می‌تواند، رقابت در امور دنیایی، رقابت بر سر کسب منافع اقتصادی بیشتر است. بنابراین، رقابت اقتصادی، مورد نهی رسول الله(ص) قرار گرفته است.

ممکن است در استدلال به این روایت اشکال شود که:

۱. از این‌که عبارت «فَلَا تَنَافَسُوا» در ردیف عبارت «لَا تَحَاسَدُوا وَ لَا تَبَاغَضُوا» آمده است، استفاده حکم حرمت نمی‌شود. چون هرچند رقابت در امور دنیایی از افعال جوارحی است، اما چون تحاسد و تباغض، افعال جوارحی هستند و تا زمانی که بروز و نمود خارجی پیدا نکنند و به فعل جوارحی تبدیل نشوند حکم حرمت را نخواهد داشت. بنابراین، روایت نهایتاً دلالت دارد که این افعال مکروه می‌باشند یا ممکن است گفته شود که افعال جوارحی مشمول احکام تکلیفی حرمت نمی‌شوند؛ هرچند یک صفت ردیله محسوب می‌گردند، در نتیجه، حکم تنافس در این روایت اگر

حکم تکلیفی باشد، حداکثر دلالت بر کراهت دارد و نمی‌توان از آن استفاده حرمت نمود. به نظر می‌رسد در رفع این اشکال این امر باید مورد ملاحظه قرار گیرد. هرچند تحاسد و تباغض از افعال جوانحی هستند و مشمول حکم حرمت نمی‌شوند، اما اگر در همه بیان رسول خدا(ص) دقت شود معلوم می‌گردد که رسول خدا(ص) از آثار خارجی تحاسد و تباغض نگران هستند. افعال تحاسد و تباغض وقتی جوارحی باشند، حرام هستند. بنابراین، آمدن تنافس در ردیف تحاسد و تباغض در این بیان رسول خدا(ص) دلیل بر آن است که به لحاظ حکم فقهی هم‌ردیف آن‌ها است.

۲. روایت به لحاظ سندی از جهاتی ضعیف است. از جمله، عکرمه که در سلسله روایات است از خوارج بود و کشی در رجالش می‌نویسد: «مات علی غیر ایمان». (سبحانی، ۱۳۸۹: ۳۰۰). بنابراین، اگر دلالت روایت بر موضوع مورد بحث پذیرفته شود، به عنوان دلیل مستقل قابل استناد نیست.

حضرت امیر (ع) در روایتی مردم را از رقابت در کسب برتری و افتخارات امور دنیایی نهی فرموده است:

رَوَى زَيْدُ بْنُ وَهَبٍ قَالَ خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَقَالَ: عِبَادَ اللَّهِ أَوْصِيكُمْ بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةَ لَكُمْ وَإِنْ لَمْ تُحِبُّوا تَرْكَهَا وَ الْمُبْلِيَةَ لِأَجْسَامِكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ تَجْدِيدَهَا... فَلَا تَنَافَسُوا فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَ فَخْرِهَا. (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ۳۸۱؛ نهج البلاغه، خطبه ۹۹، ۹۱)

زید بن وهب گفت: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب در روز جمعه خطبه خواند و فرمود: ای بندگان خدا وصیت می‌کنم شما را به ترک این دنیا که او ترک می‌کند شما را هر چند شما دوست ندارید ترک آن را. و دنیا بدن‌های شما را می‌پوساند، در حالی که شما نو شدن آن را دوست دارید ... پس در راه رسیدن به عزت و افتخارهای دنیایی با هم رقابت نکنید.

استدلال به روایت: این حدیث، مفصل است. قبل از این بیان و بعد از آن نیز حضرت(ع) به نحو مفصل درباره دنیاگرایی در قالب رفتار رقابت اقتصادی مطالب فراوانی فرمودند. اگر کسی در صدر و ذیل این عبارت حدیث توجه کند، می‌فهمد که تمام بیان امیر مؤمنان(ع) برای تبیین و به نحوی مشعر به علت این حکم است. در نهج البلاغه نیز

حضرت (ع) یک خطبه نسبتاً مفصل را به این بیان، اختصاص داده‌اند. بنابراین، از ظهور این روایت می‌توان استفاده نمود که رقابت اقتصادی مباح و مجاز نیست.

ممکن است به این استدلال اشکال شود که:

اولاً. در این روایت هرچند صراحتاً رقابت در امور دنیایی مورد نهی قرار گرفته است؛ اما اگر نهی مولوی باشد، نهایت دلالت بر کراهت می‌کند. ولی محتمل است همانند روایت نبوی قبلی نهی ارشادی باشد. بنابراین، نمی‌توان حکم مولوی تکلیفی از آن استفاده کرد. ولی آثار رقابت بیان شده در گفتار علی (ع) از نوع آثار شخصی است و بدان جهت تأکید به پرهیز از رقابت اقتصادی در امور دنیایی دارند که امور مادی دنیایی و مورد رقابت، امری کم ارزش و فناپذیر است. شاید همین امور قرینه باشند که رقابت در این بیان حضرت (ع) در معنای مسابقه در امور دنیایی استعمال شده است. در این صورت اگر نهی را مولوی بگیریم، دلالت بر کراهت خواهد داشت.

ثانیاً. هرچند زید بن وهب عالم جلیل القدر و از اصحاب امیر المؤمنین بود و خطبه‌های حضرت را در روزهای جمعه و اعیاد می‌نوشت. (سبحانی، ۱۳۸۹: ۲۰۴) اما شیخ طوسی این روایت را مستقیم از زید بن وهب نقل کرده است. بنابراین، روایت از لحاظ سندی ضعیف است.

امیر مؤمنان (ع) در روایت دیگری با صراحت، رقابت نسبت به امور دنیایی را نهی فرمود:

لَا تُنَافِسْ عَلَى الدُّنْيَا وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَى: (مجلسی، ۱۳۶۲:

۹/۷۸، ش ۶۴) نسبت به امور دنیا با هم رقابت نکنید و تابع هوای نفس نباشید.»

استدلال به روایت: در این روایت علی (ع) به صراحت از رقابت در امور دنیوی نهی فرموده است. اطلاق روایت، رقابت در امور اقتصادی را نیز شامل می‌شود.

ملاحظات ناظر به استدلال به این روایت:

اولاً. نهی از رقابت در امور دنیایی هم‌ردیف با نهی از تبعیت از هوای نفس قرار گرفته است. نهی از تبعیت از هوای نفس، نهی تحریمی حساب نمی‌شود. چنین نهی‌ای دلالت بر کراهت دارد. چون می‌توان گفت که تمام اعمال مکروهی که انسان مسلمان عالمماً انجام می‌دهد، تبعیت از هوای نفس است، چون چنین افعالی را خدای متعال دوست

ندارد. وقتی انسان بداند که خدای متعال کراهت دارد که بنده‌اش عملی را انجام دهد، حکم آن عمل، مکروه است؛ اما حرام نیست.

به نظر می‌رسد در بررسی این شبهه باید به این نکته توجه شود که تبعیت از هوای نفس مراتب مختلفی دارد. یک مرتبه آن اعمال مکروه است. مرتبه دیگر آن اعمالی با کراهت شدید و مرتبه بعدی، اعمال حرام و حرام شدید می‌باشد. روایت نهی از تبعیت از هوای نفس در تمام مراتب را شامل می‌شود. در برخی مراتب حرام و در برخی مراتب مکروه است. این نوع دلالت حدیث استعمال لفظ در اکثر از معنا هم نمی‌باشد؛ چون دلالت بر قدر جامع معنای کراهت دارد که در تمام مراتب جاری است. به هر حال به لحاظ احتمال بیان شده نمی‌توان بر مرتبه حرمت آن استدلال کرد.

ثانیاً. مرحوم مجلسی این روایت را در باب مواعظ و حکم، از کتاب مطالب السؤل محمد بن طلحه (۵۸۲ - ۶۵۲) نقل کرده و تمام واسطه‌ها بین محمد بن طلحه و امیر مؤمنان حذف شده است. بنابراین، حتی اگر در دلالت آن خدشه نشود، به عنوان دلیل مستقل قابل استناد نیست.

علی(ع): «لا تنافس فی مواهب الدنیا فإن مواهبها حقیرة: (آمدی، ۱۳۷۳: ۶/۲۸۹، ش ۱۰۲۸۷) نسبت به مواهب دنیا با هم رقابت نکنید.» استدلال به روایت: در این روایت رقابت نسبت به نعمت‌های دنیوی مورد نهی قرار گرفته است، چون نعمت‌های دنیا پست و حقیر هستند. پستی نعمت‌های دنیا به جهت مقایسه با نعمت‌های گسترده، بی‌بدیل و پایان‌ناپذیر آخرتی است؛ نه این که نعمت‌های دنیوی فی‌نفسه پست و حقیر باشند. بنابراین، نمی‌توان از این بیان استفاده نمود که هر مقدار که نعمت‌های مورد رقابت کمتر باشد، حکم نهی آن شدیدتر است. اطلاق روایت دلالت بر نهی تحریمی دارد. اما از لحاظ سندی این روایت با مشکل مواجه است؛ چون تنها در غرر الحکم آمده است.

چند روایت دیگر از علی(ع) نسبت به رقابت در امور دنیایی در منابع روایی وارد شده است که در همه آن‌ها به صراحت یا به دلالت التزامی رقابت نسبت به امور دنیایی نهی و تقبیح شده است. به برخی از آن‌ها بدون تحلیل محتوا و سند اشاره می‌شود:

علی(ع) رفتار انسان‌هایی را که در امور دنیایی با هم رقابت می‌کنند با عبارت ذیل مورد تقبیح قرار داد:

یتنافسون فی دنیا دنیّه و یتکالبون علی جیفه مریحه: (نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، خطبه ۱۵۱: ۱۴۸) بر سر دنیای پست با یکدیگر رقابت می‌کنند و چون سگان این مردار گندیده را از هم می‌ربایند.

همچنین در خطبه دیگری فرمود: ایها الناس انّ الدنيا . . . لا تَنْفَسُ بِنَفْسٍ فَيَهَا: (نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، خطبه ۱۷۸: ۱۸۶) ای مردم همانا دنیا عزیز نمی‌دارد کسی را که در بدست آوردن آن با دیگران رقابت کند.

علی(ع) در گفتار دیگری رقابت در امور دنیایی را از ویژگی‌های اهل دنیا می‌شمارد و می‌فرماید اهل آخرت در امور دنیا رقابت نمی‌کنند: انّ الآخرة لها اهل . . . لا یتنافسون فی الدنيا: (شیخ طوسی، ۱۳۸۰: ۶۴۷) اهل آخرت گروهی هستند که در امور دنیا رقابت نمی‌کنند.

امام صادق(ع): المؤمن فی الدنيا غریبٌ، لایجزع من دُلّها ولا یتنافس اهلها فی عزّها: (مجلسی، ۱۳۶۲: ۷۸، باب مواعظ الصادق(ع)، ص ۲۵۴؛ ش ۱۲۱) مؤمن در دنیا غریب است و از ذلتش جزع نمی‌کند و با اهل دنیا در به دست آوردن عزت دنیایی رقابت نمی‌کند.

همچنین حضرت صادق(ع) در روایت دیگری قبح رقابت در امور دنیایی و آثار مخرب آن را مفصل بیان می‌کند که برخی عبارات آن حضرت(ع) چنین است:

فَإِنَّهُمْ وَ الْمَوْتُ يَفْنِيهِمْ أَوْلًا أَوْلًا يَتَنَافَسُونَ فِي الْمَسَاكِينِ وَ الْمَزَارِعِ حَتَّى يَنْشَبَ بَيْنَهُمْ فِي ذَلِكَ الْخُرُوبُ وَ يُسْفِكُ فِيهِمُ الدَّمَاءُ فَكَيْفَ كَانَتْ تَكُونُ خَالَهُمْ لَوْ كَانُوا يُوَلَّدُونَ وَ لَا يَمُوتُونَ؟ (مجلسی، ۱۳۶۲: ۱۳)

در حالی که مرگ مردم را یکی پس از دیگری فانی می‌کند، در به دست آوردن مساکن و مزارع با هم رقابت می‌کنند، به گونه‌ای که به سبب آن، جنگ بین آنان واقع شده و خون‌ها در میان آنان ریخته می‌شود؛ پس وضعیت آنان در صورتی که متولد می‌شدند و نمی‌مردند، چگونه می‌شد؟

از روایاتی که بیان شد، با صرف نظر از اعتبار سند در برخی از آن‌ها به صراحت رقابت در امور دنیایی مورد نهی قرار گرفته است. البته، در برخی نیز احتمال دارد که از واژه رقابت، مسابقه در امور دنیایی مورد نهی قرار گرفته و یا تقبیح شده است. بنابراین،

با توجه به معنای مسابقه و حکم آن - پیشتر بیان شد- روایاتی که در آن‌ها رقابت به معنای مسابقه در امور دنیایی مورد نهی قرار گرفته است، رفتاری مکروه محسوب می‌شود.

پیشتر در تحلیل موضوع رقابت بیان شد که رقابت در امور دنیوی مصداق رفتار انحصارگرانه محسوب می‌شود و ماهیتاً رفتاری انحصارگرانه است. اگر در برخی روایات بیان شده دقت شود، تنافس و رقابت در جایی استعمال شده است که رقابت کنندگان در صدد محروم نمودن سایرین و رفتاری انحصارگرانه دارند. بنابراین، حکم فقهی آن را می‌توان از برخی روایاتی که ناظر به رفتار انحصارگرانه است، به دست آورد. در ادامه برخی از آن‌ها بیان و بررسی می‌شوند.

سه. رقابت اقتصادی مصداق رفتار انحصارگرانه غیر مجاز

رفتار انحصاری، به انحصار طبیعی و غیر طبیعی تقسیم می‌شود. انحصار طبیعی همانند کسی که وسیله‌ای را اختراع کرده است و یک نوع حق برای مخترع محسوب می‌شود و نمی‌توان او را از این حق محروم کرد و تخصص تولید آن وسیله اختراع شده را بدون اجازه او در اختیار دیگران قرار داد. انحصار غیر طبیعی آن است که برخی بنگاهها و قدرت‌های اقتصادی با انواع روش‌ها از جمله کاهش موقتی قیمت کالا، سایر رقبا را از میدان فعالیت اقتصادی بیرون کرده و سپس قیمت آن کالا را آن طور که می‌خواهند و ممکن است، تعیین می‌کنند. (موریس و فیلیپس، ۱۳۷۶: ۸۳/۲ به بعد؛ فرجی، ۱۳۷۸: ۳۲۹ - ۲۵۵) انحصار غیر طبیعی از منظر اسلام نامطلوب است. شواهد و ادله‌ای را می‌توان بر غیر مطلوب بودن این نوع رفتار انحصارگرانه ارائه کرد:

الف. احتکار محرم مصداق رفتار انحصارگرانه

احتکار در توزیع و فروش، یک نوع رفتار انحصارگرانه است. چون محتکر می‌خواهد با خرید تمام یا بخش بزرگی از کالا، توزیع آن را در انحصار خود درآورد و جریان قیمت‌های بازار را به نفع خود تحت تاثیر قرار دهد تا از این طریق سود خود را به حداکثر برساند. به جهت مفسد این نوع رفتار انحصارگرانه است که امیرمؤمنان(ع) در نامه خود به مالک اشتر درباره احتکار می‌فرماید:

ذَلِك [احتكار] بَابُ مَضْرُوعٍ لِّلْعَامَّةِ وَ عَيْبٌ عَلَى
الْوَلَاةِ فَاَمْنَعُ مِنَ الْاِحْتِكَارِ فَاِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) مَنَعَ مِنْهُ

وَ لَيْكِنَ الْبَيْعُ بَيْعاً سَفْحاً، بِمَوَازِينِ عَدْلِ وَ أَسْعَارٍ
لَا تُجْحَفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَ الْمُبْتَاعِ فَمَنْ
قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَاهُ فَتَكَلَّ بِهِ وَ عَاقِبَهُ فِي
غَيْرِ إِسْرَافٍ. (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۳۳۵)

احتکار زینانی است برای همگان و عیب است بر والیان؛ پس، از احتکار منع کن؛ چرا که رسول خدا(ص) آن را منع کرد. خرید و فروش باید آسان صورت گیرد و با میزان عدل انجام پذیرد؛ با نرخ‌هایی که نه به زیان فروشنده و نه خریدار باشد. کسی که پس از منع تو دست به احتکار زند، او را کیفر ده و عبرت دیگران گردان؛ البته در کیفر او زیاده‌روی مکن.

در این گفتار علی(ع) می‌توان الغاء خصوصیت از عنوان احتکار نمود و مدعی شد که هر نوع رفتار اقتصادی انحصارگرانه که چنین پیامدهایی دارد، مورد نهی حضرت(ع) است. چون انحصار، افزون بر افزایش قیمت‌ها و ضرر رساندن به مردم، برای حکومت عیب و خلاف عدالت محسوب می‌شود. از نهی حضرت(ع)، حرمت تکلیفی استفاده می‌شود. چون امیرمؤمنان(ع) دستور داد تا از آن جلوگیری کرده و عامل آن، مجازات شود.

ب. انحصار بستر مفساد اقتصادی

حضرت امیر(ع) در گفتاری مفساد اخلاقی، اجتماعی و سیاسی انحصار را به روشنی بیان می‌فرماید:

الاستئثار یوجب الحسد و الحسد یوجب البغضة و
البغضة توجب الاختلاف و الاختلاف یوجب الفرقة و
الفرقة توجب الضعف و الضعف یوجب الذل و الذل
یوجب زوال الدولة و ذهاب النعمة. (ابن ابی حدید، ۱۳۸۰: ۲۰/۳۴۵)

انحصار و اختصاص امکانات به خود، باعث حسد دیگران، و حسد باعث دشمنی، دشمنی سبب اختلاف، اختلاف باعث جدایی، جدایی سبب ضعف، ضعف باعث خوار شدن، و خواری و ذلت باعث از بین رفتن دولت و نعمت می‌شود.

کتاب لغت جدید (آذرنوش، ۱۳۷۹: ۳) و قدیم (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱/۲۰؛ مرتضی الزبیدی، ۱۴۱۴: ۱۰/۲۱) واژه «الاستئثار» را به انحصار درآوردن و به خود اختصاص دادن معنا

کرده‌اند.

هنگامی که رفتاری در عرصه اقتصادی این همه مفاسد اخلاقی، اجتماعی و سیاسی را در پی داشته باشد، هیچ‌گاه در شریعت اسلامی امری مجاز شمرده نمی‌شود. در استدلال به این روایت نکات ذیل باید ملاحظه شود:

اولاً. بیان علی(ع) دلالت بر حکم تکلیفی ندارد؛ حضرت(ع) تنها درصدد بیان آثار انحصار است. اگر هم بر حکم شرعی دلالت کند، حکم ارشادی محسوب می‌شود. این اشکال به این نحو قابل دفع است: از بیان علی(ع) روشن است که انحصار قبیح عقلی دارد، چون موجب حسادت و دشمنی می‌شود. منظور حضرت(ع) دشمنی و حسادت تنها در قلب نیست، بلکه بروز پیدا می‌کند و آثار خارجی آن نابودی و زوال دولت و نعمت را به دنبال دارد. چنین رفتاری با چنین آثاری مصداق ظلم به دیگران و جامعه محسوب می‌شود. بنابراین، عقلاً قبیح است و شرعاً غیر مجاز می‌باشد.

ثانیاً. این روایت از لحاظ سندی ضعیف است. این روایت را ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه آورده و در سایر منابع روایی مشاهده نشده است. اما متن روایت، محکم و متقن است. این امر نیز می‌تواند قرینه بر صدور روایت از معصوم(ع) باشد.

ج. جهنم جایگاه انحصارگر

منابع اهل سنت روایتی را از رسول خدا(ص) نقل کرده‌اند که فرمود جایگاه کسی که باعث افزایش قیمت در بازار مسلمین شود، در بدترین جای جهنم است:

مَنْ دَخَلَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَسْعَارِ الْمُسْلِمِينَ لِيَغْلِيَهُ عَلَيْهِمْ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَقْذِفَهُ فِي مُعْظَمِ مِنَ النَّارِ وَ رَأْسُهُ أَسْفَلُهُ. (المتقی الهندی، ۱۴۲۴: ۱۰۱/۴؛ البیہقی، ۳۰/۶؛ احمدبن حنبل، ۲۷/۵)^۱

هرکس در نرخ قیمت کالاهای مسلمانان دخالت کند تا آن را بر مسلمانان گران کند، خدای متعال حق دارد او را وارونه به بدترین جای جهنم پرتاب کند. این روایت در منابع روایی امامیه یافت نشده است. اما منابع زیادی از اهل سنت این روایت را نقل کرده‌اند. راوی می‌گوید: من بارها این روایت را از رسول خدا(ص) شنیده‌ام.

۱. در کتاب «مسند أحمد»، به جای عبارت «أَنْ يَقْذِفَهُ فِي مُعْظَمِ مِنَ النَّارِ» عبارت «ان يقعه بعظم من النار».

رفتار انحصارگرانه برای آن است که قیمت کالا را در بازار افزایش دهد تا انحصارگر به سود زیادی دست پیدا کند. بنابراین، رفتار انحصارگرانه یکی از مصادیق بیان رسول خدا(ص) است. در روایت رسول الله(ص) علت افزایش قیمت کالاها در بازار منحصر به امر خاصی نشده است، بلکه از هر طریقی باعث افزایش قیمت کالاها در بازار مسلمین گردد، یکی از بزرگترین عذابها قرار داده شده است.

د. سیره و اقدامات عملی علی(ع)

سیره و اقدامهای عملی علی(ع) در بازار نشان می‌دهد که برای جلوگیری از انحصار و افزایش قیمت‌ها، تلاش می‌نمود تا وضع مطلوبی را فراهم آورد. با اقدامات حضرت(ع) در کوفه، هر یک از کالاها بازار خاصی را به خود اختصاص داده بود و تجمع فروشندگان و خریداران فراوان در مکان خاصی باعث می‌شد که سهم هر یک از آنها در تأثیرگذاری بر قیمت بازار در حد صفر یا بسیار اندک باشد. این بازارها عبارت بودند از بازار قصابان، خرما فروشان، ماهی فروشان، روغن فروشان، نانوایان، بزازی، صرافی، خیاطی، بازار خرید و فروش شتر و امیرمؤمنان(ع) اجازه نمی‌داد تا افراد مکان خاصی از بازار را به انحصار خود درآورده و همیشه به خود اختصاص دهند. هر روز صبح هرکس زودتر به بازار می‌آمد می‌توانست در مکان دلخواه خود، کالایش را در معرض فروش قرار دهد. حضرت(ع) می‌کوشید تا هیچ‌گونه رفتار انحصاری در بازار مسلمانان اتفاق نیفتد. وجود این‌گونه بازارها باعث شفاف شدن اطلاعات خریداران درباره قیمت کالاها می‌شد. خرید و فروش آسان‌تر صورت می‌گرفت. توان خریداران و فروشندگان برای تصمیم‌های عقلایی افزایش می‌یافت. این تلاش باعث می‌شد که قیمت‌ها بر موازین عدل و انصاف باشد تا هیچ یک از فروشندگان و خریداران با ضرر و زیان مواجه نشود. (نظرپور، ۱۳۸۰: ۵۱۲ به بعد)

اگر رفتار انحصارگرانه در عرصه اقتصادی مباح و مجاز باشد، امیر مؤمنان(ع) با انواع اقدامات خود مانع شکل‌گیری انحصار نمی‌شد.

ه. انحصار مانع تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام

رفاه عمومی و رفع فقر کامل از جامعه اسلامی از اهداف نظام اقتصادی اسلام است. (یوسفی، ۱۳۸۶: ۲۸۴ - ۲۵۷) انحصارگر با به انحصار درآوردن کالاها باعث افزایش قیمت‌ها

می‌شود. انحصار، فقر را در جامعه نهادینه کرده و رفاه عمومی را کاهش می‌دهد. در حالی که بر دولت و مردم واجب است که فقر را از جامعه ریشه‌کن کنند و حد کفاف را برای عموم مردم فراهم نمایند. با وقوع انحصار و نهادینه شدن آن در جامعه، هرگز نمی‌توان به رفاه عمومی مطلوب دست یافت و فقر را از بین برد.

اگر تحقق رفاه عمومی مطلوب (تامین حد کفاف زندگی برای عموم مردم جامعه)، بر دولت اسلامی و مردم واجب باشد، این وجوب، مقتضی نهی از ضد خاص (رفتار انحصارگرانه) نمی‌شود. اما خود انحصار، مفسده ملزومه دارد و بدان جهت غیر مجاز است. چون انحصار مانع تامین حد کفاف پایدار در جامعه می‌شود و منجر به توسعه شکاف ثروت و درآمد می‌گردد و فقر را نهادینه می‌کند. به جهت این مفسده عظیم اقتصادی، غیر مجاز است.

درباره نهی از انحصارطلبی در امور دنیایی روایات کثیری در منابع روایی داریم که در دانشنامه قرآن و حدیث جمع‌آوری شده است. (محمدی‌شهری، ۱۳۹۰، ۲۴۱ - ۲۰۵)

چهار. تراکم ظنون، ظن معتبر عقلایی

اگر در میان ادله بیان شده یک دلیل متقن به لحاظ سندی و دلالتی بلاشکال باشد، حکم غیر مجاز رقابت اقتصادی اثبات می‌شود. کما این که وقتی رقابت اقتصادی یک نوع رفتار انحصارگرانه باشد، حکم چنین رفتاری از روایات و ادله بیان شده روشن است. اما اگر کسی براساس مبانی خاص فقهی و اصولی، هیچ یک از این ادله را برای حکم رقابت اقتصادی کافی نداند، می‌توان از تراکم ظنون به عنوان ظن معتبر عقلایی برای اثبات حکم عدم جواز رقابت اقتصادی استفاده نمود. این مطلب نیازمند توضیح است. البته، بررسی همه ابعاد این بحث مجال وسیعی را می‌طلبد و علاقه‌مندان به منابع مربوطه مراجعه کنند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۵۳-۲۷۳؛ حسینیان قمی، ۱۳۸۲: ۳۳۵-۳۵۶؛ ربانی بیرجندی، ۱۳۷۸: ۱۴۵-۲۰۷)

در معیار استفاده از روایت دو دیدگاه بین اصولیان و فقها وجود دارد:

دیدگاه وثاقت سندی: طرفداران این دیدگاه معتقدند که تنها با تمسک به روایاتی می‌توان بر یک حکم فقهی استدلال کرد که تمام روات واقع در سند روایت ثقه باشند. بنابراین، اگر چند روایت ضعیف‌السند بر یک حکم فقهی دلالت داشته باشند و ظنون

غیر معتبر دیگری از قبیل اجماع منقول و شهرت فتوایی نیز در کنار آن‌ها قرار گیرند، نمی‌توان به آن حکم فقهی عمل نمود. چون اجماع منقول و شهرت فتوایی حجت نیستند و نیز آن‌ها نمی‌توانند وثاقت صدوری برای مضمون روایات ضعیف‌السند حاصل کنند.

دیدگاه وثاقت صدوری: برخی مدعی هستند که مشهور فقها و اصولیان معتقدند که معیار عمل به روایت، موثوق به بودن آن است. بنابراین، برخی روایاتی که موثوق‌السند نیستند، به جهت وجود پاره‌ای قراین موجب ظنّ عقلایی به صدور روایت می‌شوند، در نتیجه می‌توان به آن‌ها عمل نمود. پشتوانه این باور، مهمترین دلیل اصولیان در اعتبار و حجیت خبر واحد، تمسک آنان به روش و سیره عقلی در عمل به خبر واحد است که به جهت حصول ظنّ عقلایی مورد عمل واقع می‌شود. شیخ انصاری در همه ادله حجیت خبر واحد خدشه می‌کند، مگر سیره عقلی. اهمیت این دلیل در حجیت خبر واحد به گونه‌ای است که اگر این دلیل از شمار ادله حجیت خبر واحد، کنار رود، اصولیان هیچ راهی برای حجیت خبر واحد ندارند و ناچار حجیت ظنّ مطلق را خواهند پذیرفت. عمل عقلا به خبر واحد بر مبنای وثاقت به صدور خبر واحد است نه تنها به وثاقت روات خبر واحد. بنابراین، اگر روایاتی بر یک مضمونی دلالت داشته باشند و به لحاظ سندی هیچ یک وثاقت سندی نداشته باشند، اما تعداد روایات در کنار سایر قراین به حدی باشند که سبب ظنّ عقلایی که موجب وثاقت صدوری به مضمون روایات شوند، می‌توان به آن‌ها عمل نمود. کسانی که به متن کتاب مکاسب شیخ انصاری (ره) مراجعه کنند، فراوان می‌یابند که بر یک حکم فقهی به وسیله ادله‌ای که هیچ یک در حد ظنّ معتبر نیستند، استدلال می‌شود و ایشان همه آن‌ها را رد می‌کنند؛ اما سرانجام با عبارت «الانصاف» آن حکم فقهی را می‌پذیرد. این روش شیخ انصاری (ره) بدان جهت است که تراکم ظنون غیر معتبر در یک حکم فقهی، موجب وثاقت صدوری به مضمون روایت می‌شود و می‌توان به مضمون چنین خبری عمل نمود.

از آنچه بیان شد، اگر کسی در روایات و سایر قراینی که حکم فقهی رفتار رقابت اقتصادی در امور دنیایی را بیان می‌کنند توجه نماید، وثوق به صدور چنین حکمی از معصومین (ع) پیدا می‌کند.

۴. تحلیل حکم رقابت اقتصادی با توجه به آثار مثبت آن

به‌رغم مطالب بیان شده، ممکن است کسی بگوید که رقابت اقتصادی دارای آثار و پیامدهای مثبت اقتصادی است. از قبیل این که رقابت اقتصادی موجب برخی ابتکارات و خلاقیت‌ها در عرصه اقتصادی می‌شود که زمینه رشد و پیشرفت اقتصادی را فراهم می‌کند. بنابراین، در تحلیل فقهی این رفتار اقتصادی نباید این مزیت را نادیده گرفت.

پاسخ: در این نوشتار، پیشتر به این مزیت اشاره شده است. اما بسیاری از رفتارها هستند که به‌رغم داشتن فوایدی، از منظر شریعت اسلامی غیر مباح اعلام شده‌اند. در قرآن مجید برای خمر که شرب آن یکی از گناهان بزرگ است، فوایدی شمرده شده و اعلام می‌کند که گناه آن بزرگتر از فوایدش است:

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا (بقره/۲۱۹)

درباره شراب و قمار، از تو می‌پرسند، بگو: «در آن دو، گناهی بزرگ، و سودهایی برای مردم است، و [الی] گناهشان از سودشان بزرگتر است.»

بنابراین، نمی‌شود به جهت برخی آثار ظنی یک رفتار از حکم غیر مباح آن غفلت ورزید.

اشکال و پاسخ آن

اشکال: آنچه بیان شد، با فرض این که تنافس در امور دنیایی به معنای رقابت با هم در امور دنیایی باشد، صحیح است؛ اما تنافس در امور دنیایی به معنای مسابقه با هم در امور دنیایی است، نه رقابت با همدیگر. بنابراین تشخیص موضوع اشتباه بوده است، در نتیجه حکم مترتب بر تنافس در امور دنیایی نیز اشتباه است.

پاسخ: اولاً تنافس در امور دنیایی در منابع لغوی، هم به معنای مسابقه و هم به معنای رقابت آمده است. (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۲۳۸/۶؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۹۴/۷؛ آذرنوش، ۱۳۷۹: ۵-۷۰۴)

ثانیاً اگر به معنای مسابقه هم باشد، آن نوعی از مسابقه است که مصداق رقابت مصطلح می‌باشد. در بحث تبیین موضوع رقابت اقتصادی بیان شد که رابطه بین رقابت و

مسابقه اقتصادی، عموم و خصوص مطلق است. به یقین اگر کسی در مفهوم این روایات دقت کند، قبول خواهد کرد که آن نوعی از مسابقه که مصداق رقابت در امور دنیایی باشد، منظور است.

ثالثاً اگر منظور از تنافس در روایات مسابقه‌ای باشد که مصداق رقابت اقتصادی نباشد، حکم آن به طریق اولی شامل رقابت مصطلح خواهد شد. چون حکم تنافس در این روایات یک حکم تعبّدی نیست، بلکه به جهت مفاسدی است که بر موضوع تنافس به معنای مسابقه محض می‌باشد؛ بنابراین، این مفاسد به طریق اولی بر رقابت اقتصادی‌ای که نوعی مسابقه اقتصادی دارای مفاسد بدتری است، مترتب خواهد شد.

نظام اقتصادی مبتنی بر رقابت، نظامی غیر مطلوب

اگر رقابت اقتصادی یک رفتار غیر مجاز باشد، قطعاً نمی‌توان نظام اقتصادی اسلام را بر اساس آن طراحی و اجرا کرد. اما اگر کسی ادله بیان شده را بر حکم غیر مجاز بودن رقابت اقتصادی کافی نداند و دلالت ادله بیان شده را تنها در حد کراهت بداند و رقابت آزاد اقتصادی را مصداق شبهه تحریمیه تلقی کند، آیا می‌توان نظام اقتصادی اسلام را براساس آن، طراحی و اجرا نمود و سیاست‌ها و برنامه‌های خرد و کلان اقتصادی را در چارچوب آن ارزیابی و داوری کرد؟

اگر رقابت آزاد اقتصادی، مصداق شبهه تحریمیه باشد و با اجرای اصل برائت حکم به مباح بودن چنین رفتاری شود، باز مجاز نیستیم نظام اقتصادی اسلام را مبتنی بر آن طراحی و اجرا کنیم. چون طراحی و اجرای نظام اقتصادی اسلام در این صورت بدین معنا است که چنین رفتاری به عنوان یک رفتار مطلوب اقتصادی پذیرفته شده و تمام برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی براساس چنین اصلی پایه‌گذاری شود و متولیان نظام اسلامی و نیز تمام نهادهای تبلیغی و تشویقی مردم را تشویق و ترغیب به چنین رفتاری کنند. یعنی نهاد تقنین، اجرا، قضا، تبلیغ و ... همه مردم را تشویق و ترغیب کنند تا مرتکب رفتاری شوند که مصداق شبهه تحریمیه و شرعاً مکروه است. یعنی رفتاری که مفسده اقتصادی دارد - مفسده اقتصادی غیر ملزمه مکشوفه - همه مردم تشویق به عمل به آن شوند. آیا در چنین شرایطی می‌توان انتظار رفتارهای ارزشی و اخلاقی از مردم و فعالان اقتصادی داشت. یعنی از سویی کل نظام را بر امور ضد ارزشی مبتنی

نمود و مردم را تشویق و ترغیب به عمل به آن‌ها کرد، برای عمل به آن امور جایزه و پاداش تعیین نمود و از سوی دیگر از مردم خواسته شود که به امور ارزشی و اخلاقی در عرصه اقتصادی عمل کنند!! نباید به عدم جواز چنین رفتاری در مرحله نظامسازی و اجرای آن تردید کرد. دلیل عدم جواز چنین امری، افزون بر مطالب بیان شده، روایات تثلیث و احتیاط است که به یک مورد آن اشاره می‌شود:

امام صادق(ع) در مقبوله عمر بن حنظله فرمود: فانما الأمور ثلاثة ، امر بین رسته فمتبع ، وأمر بین غیه فمجتنب ، وامر مشکل یرد حکمه إلی الله و الی رسوله صلی الله علیه و آله و قد قال رسول الله صلی الله علیه و آله : «حلال بین وحرام بین وشبهات تردد بین ذلك ، فمن ترك الشبهات نجا من المحرمات ، ومن أخذ بالشبهات ارتكب المحرمات وهلك من حيث لا يعلم» فان الوقوف عند الشبهات خیر من الاقتحام فی الهلکات . (نوری طبرسی، ۱۴۲۹: ۱۷ / ۳۲۱)

امام صادق(ع) فرمود: امور سه دسته هستند. برخی از امور حقایق آن‌ها روشن است، پس متابعت می‌شوند؛ دسته‌ای دیگر بطولانش روشن است، پس باید اجتناب شوند؛ گروه دیگری امرشان مشکل است که باید به خدا و رسولش واگذار شوند. «رسول خدا فرمود: حرامی که معلوم است و حرامی که روشن می‌باشد و امور مشتبه بین حرام و حلال وجود دارند. هر کسی شبهات را ترک کند، از محرمات نجات پیدا می‌کند، و هر کس عمل به مشتبهات کند، مرتکب حرام می‌شود و از روی نادانی دچار هلاکت می‌شود.» پس به درستی ترک شبهات بهتر از افتادن در مهلکه و نابودی است.

به مقتضای این روایات اگر رفتاری محتمل الحرمه باشد و انسان مرتکب آن‌ها شود، در محرمات واقع می‌شود. بنابراین، اگر چنین رفتاری در سطح عموم مردم نهادینه شود و ترغیب و تشویق و حتی برای ارتکاب چنین اعمالی جایزه و پاداش داده شود، کل جامعه به سمت حرام سوق پیدا می‌کند.

بنابراین، هر چند در شبهه تحریمیّه فقهای اصول‌محور، اصل برائت جاری کرده و به جواز و اباحه رفتار در روابط فردی حکم می‌کنند، ولی براساس مطالب بیان شده، نمی‌توان نظام اقتصادی اسلام را بر مبنای آن طراحی و اجرا کرد.

افزون بر روایات تثلیث، دسته‌ای از روایات که برخی از آن‌ها صحیح‌السند هستند، دلالت دارند که اگر سنت‌ها در جامعه ترک شوند یا جامعه از سنت‌ها اعراض کنند، معصیت و حرام مرتکب شده‌اند (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴/۴۷، ۵۹، و ۲۱/۲۰ / ۳۰ طوسی، ۱۴۱۴: ۵۳۱ / برقی، ۱۳۷۱: ۱/۸۴ / عریضی، ۱۴۰۹: ۳۴۵). یکی از این احادیث صحیح‌السند اشاره می‌شود: ثَلَاثٌ مُّوَبِقَاتٌ نَكُتُ الصَّفَقَةَ وَ تَرُكُ السُّنَّةَ وَ فِرَاقُ الْجَمَاعَةِ (برقی، ۱۳۷۱: ۱/۲۲۰): سه چیز از مهلکات هستند: پیمان شکنی، ترک سنت، دوری از اجتماع.

فقها به مفاد این روایات نیز فتوی داده‌اند و ترک السنه را حرام اعلام نمودند. محقق کرکی در رساله عدالت خود (عاملی کرکی، محقق ثانی، ۱۴۰۹: ۲/۴۴) و برخی فقهای دیگر (عاملی، شهید اول، ۱/۲۲۵) ترک السنه را جزء گناهان کبیره آورده‌اند. آنان تصریح دارند که اگر قومی اصرار بر ترک اذان و نیز حجاج اصرار بر عدم زیارت قبر رسول خدا(ص) داشته باشند با آنها باید جنگید (الشیخ بهایی، عاملی، ۱۳۳: ۱۳۹۰).

براساس این روایات اگر حکومت کاری کند که برخی سنن و آداب تجارت در جامعه ترک شوند، آن فعل مجاز نمی‌باشد. با توجه به آثار رقابت اقتصادی به مفهوم متداول آن، به‌ویژه با اجرای این اصل، ضد ارزش‌ها جایگزین ارزش‌ها می‌شود و ارزش‌ها و آداب و سنت‌های تجارت از بین می‌روند. البته، همه ابعاد این بحث، نیازمند نوشتار مستقلی است که در اینجا بناچار به همین مقدار اکتفا می‌شود.

نتیجه‌گیری

هنگامی که اصل رفتاری رقابت در مباحث اقتصادی، به‌ویژه در طراحی نظام اقتصادی اسلام و نیز سیاست‌های اقتصادی، مطرح می‌شود باید مفهوم آن روشن باشد که آیا مفهوم متداول رقابت، مقصود است یا یکی از مفاهیم مرتبط با آن؟ در غیر این صورت ممکن است، تلقی عمومی بر آن قرار گیرد که مفهوم متداول آن مورد قبول است و می‌تواند مبنای طراحی نظام اقتصادی اسلام قرار گیرد. بخصوص بر محققان اقتصاد اسلامی لازم است راهکارهایی ارائه دهند تا براساس آن‌ها بتوان تشخیص داد که کدام نوع رفتار رقابت، رقابت به مفهوم متداول است و کدام نوع آن غیر از مفهوم متداول رقابت است.

اصول رفتاری دیگری براساس مبانی و اهداف فعالان در نظام اقتصادی اسلامی قابل کشف و استنباط هستند که باید مبنای طراحی نظام اقتصادی اسلام قرار گیرند، از قبیل: اصل رفتاری تعاون، یاریگری، تعاون - رقابت مسئولانه (تعاون در درون مدل و رقابت مسئولانه با بیرون مدل). بنابراین، محققان نظام اقتصادی اسلام باید تلاش کنند تا در استفاده از این قبیل واژه‌های ارزش‌محور نظام اقتصادی سرمایه‌داری برای کشف و طراحی نظام اقتصادی اسلام پرهیز کنند و در صورت به‌کارگیری آنها همه ابعاد آن را بررسی کنند و مفاهیم مرتبط با آن را مشخص نمایند و سپس با بررسی حکم فقهی هر یک، موارد بکارگیری یا عدم به‌کارگیری آن را تعیین کنند.

پس از بررسی قانون کار و قواعد حقوقی کار در اسلام به این نتیجه می‌رسیم که اسلام و اکثر ادیان توحیدی به مقوله کار اهمیت ویژه‌ای قائل بوده و بیکاری را مطرود می‌دانند. یکی از مشکلات اساسی در قانون کار کشور، عدم هدف‌گذاری مشخص از قانون کار و مشخص نبودن میزان دخالت دولت در این قانون و به تبع آن سر درگمی قانونگذاران جهت نوشتن قانون متقن و کارآمد در حوزه قانون کار است. از طرفی بی‌اطلاعی افراد نسبت به حقوق خود به دلیل ضعف اطلاع‌رسانی و آموزش و عدم شفافیت برخی کارفرمایان و سازمان‌های دولتی خواسته یا ناخواسته باعث تضییع حقوق کارگر یا کارفرما می‌شود که پس از بروز اختلاف یا اجحاف به دلیل همین نا‌آشنایی با قوانین، نمی‌توانند از حقوق خود به درستی دفاع کنند.

مبهم بودن بعضی الفاظ حقوقی و دایره شمول آنها در قانون کار ایجاب می‌کند تا قانونگذاران با بازنگری در قوانین و استفاده از فقه غنی شیعه و فرهنگ‌سازی مقوله کار با محوریت ارزش‌های اسلامی از اختلافات بین کارگر و کارفرما جلوگیری نمایند و با احیای فرهنگ کار در اسلام و به‌کارگیری قراردادهای عقودی مانند مضاربه، مزارعه، مساقات و... که شریعت اسلام آنها را معین کرده است، قانون کار را مطابق با فقه شیعی کار آمد و به روز کنند. در اسلام برای حقوق کارگر، حقوق کارفرما، انواع عقود، شرایط صحت قرارداد، اصل آزادی قراردادهای، مکاسب حلال و حرام، اجاره اشخاص، اشتغال زنان، عدم به‌کارگیری کودکان، از کارافتادگی کارگران، نحوه پرداخت اجرت و دستمزد، کسب معیشت حلال، مرتفع نمودن مشکل معیشتی کارگران و... الگوهای ارائه شده است که می‌تواند در رفع مشکلات قانون فعلی کار مؤثر باشد. همچنین فعال‌سازی

تشکل‌ها و احزاب کارگری در ایران به‌عنوان یک مرجع حامی برای کارگران و مطالبه حقوق بر حق آنها می‌تواند در بهبود روابط کسب و کار مؤثر باشد. مسئولین فرهنگی و رسانه‌ها نیز موظف‌اند با استفاده از ارزش‌های اسلامی و ایرانی نسبت به تغییر نگرش استعمارگری و برده‌کشی کارفرما و کارگر به یگدیگر اقدام نموده و فرهنگ اخوت و برادری و استادی و شاگردی را زنده نمایند.

۱. ابن ماجه، محمد بن یزید القزوينی (۱۴۲۴)، سنن ابن ماجه، بيروت: دارالفکر، ج ۲.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بيروت: دار صادر، چاپ سوم، ج ۱ و ۶.
۳. اس. چارلز. موريس و اون. آر. فيليبس (۱۳۷۶)، تحليل اقتصادي؛ نظريه و کاربرد (اقتصاد خرد)، اکبر کیمیجانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. اسمیت، آدام (۱۳۵۷)، ثروت ملل، سیروس ابراهیم‌زاده، تهران: پیام.
۵. الإمام أحمد بن حنبل، مسند احمد، بيروت: دار صادر، چاپ اول، ج ۵.
۶. امام علی ابن ابیطالب، نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. انصاری، محمدجعفر و دیگران (۱۳۷۸)، درآمدی به مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۸. ایسینگ، اتمار (۱۳۷۴)، تاریخ اندیشه‌ها و عقاید اقتصادی، هادی صمدی، تهران: موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
۹. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۹)، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران: نشر نی.
۱۰. البخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲)، صحیح البخاری، بيروت: المكتبة العصرية، ج ۵.
۱۱. بدن، لویی (۱۳۴۳)، تاریخ عقاید اقتصادی، هوشنگ نهاوندی، تهران: مروارید، چاپ دوم.
۱۲. برقی، ابوجعفر (۱۳۷۱)، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن؛ ۲ جلد، دار الکتب الإسلامیة، قم - ایران، دوم.
۱۳. بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، مجتبی عطارزاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
۱۴. البيهقي، أحمد بن الحسين، السنن الكبرى، بيروت: دارالفکر، چاپ اول، ج ۶.
۱۵. تراپی، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، الموسوعة الرجالية الميسرة، تحت اشراف آية الله جعفر سبحانی، قم: انتشارات موسسه امام صادق، چاپ سوم.
۱۶. الترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۲۶)، الجامع الصحیح سنن الترمذی، بيروت: المكتبة العصرية، ج ۴.
۱۷. تفضلی، فریدون (۱۳۷۲)، تاریخ عقاید اقتصادی، تهران: نشر نی.
۱۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: ایران، اول.
۱۹. حسینیان قمی، مهدی (۱۳۸۲)، مقاله دفاع از روایات مهدویت، در مجله انتظار موعود، ش ۸، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ص ۳۳۵ - ۳۵۶.

۲۰. ربانی بیرجندی، محمدحسن(۱۳۷۸)، مقاله وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاهها در مجله کاوشی نو در فقه، ش ۱۹ و ۲۰، ص ۱۴۵ - ۲۰۷، چاپ اول.
۲۱. رنای، محسن(۱۳۷۷)، بازار یا نابازار؛ بررسی موانع نهادی کارآیی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران، تهران: سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول.
۲۲. شارل ژید و شارل ژیست(۱۳۷۰)، تاریخ عقاید اقتصادی، کریم سنجابی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۳. الشیخ بهایی، عاملی، بهاء الدین، محمد بن حسین(۱۳۹۰ه.ق)، الحبل المتین فی أحكام الدین، کتابفروشی بصیرتی، قم: ایران، اول.
۲۴. شیخ طوسی، کتاب الامالی، تحقیق علی اکبر غفاری و بهراد جعفری، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
۲۵. شیخ طوسی(۱۴۱۱)، مصباح المتبهجد، یک جلد، بیروت: فقه الشیعه.
۲۶. طباطبایی، سیدمحمدکاظم(۱۳۹۰)، منطق فهم حدیث، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.
۲۷. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن(۱۴۱۴)، الامالی، دار الثقافة، قم: ایران، اول.
۲۸. عاملی، شهیداول(اول، ه ق)، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد؛ ۲ جلد، کتابفروشی مفید، قم: ایران.
۲۹. عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین(۱۴۰۹)، رسائل المحقق الکرکی؛ ۳ جلد، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی و دفتر نشر اسلامی، قم: ایران، اول.
۳۰. عبدالحمید بن هبه الله، ابن ابی حدید(۱۳۸۰ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۲۰.
۳۱. عریضی، علی بن جعفر علیهما السلام(۱۴۰۹)، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها؛ مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: ایران، اول.
۳۲. فرجی، یوسف(۱۳۷۸)، تئوری اقتصاد خرد، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۳۳. قدیری اصلی، باقر(۱۳۷۶)، سیر اندیشه های اقتصادی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۴. قرشی، سیدعلی اکبر(۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ج ۷.
۳۵. کلینی، محمدبن یعقوب(۱۴۱۳ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۴.
۳۶. الممتقی الهندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۴.
۳۷. مجلسی، محمدباقر(۱۳۶۲)، بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ج ۳ و ۲.

۳۸. محمد بن حسین، آقا جمال خوانساری (۱۳۷۳)، شرح غرر الحکم و دررالکلم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ج ۶.
۳۹. محمدی‌شهری، محمد (۱۳۹۰)، دانشنامه قرآن و حدیث، قم: دارالحدیث، چاپ اول، جلد اول.
۴۰. مرتضی‌الحسینی‌الزبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق ابراهیم‌الترزی، بیروت: دارالفکر، ج ۱۰.
۴۱. مسلم بن حجاج (۱۴۲۷)، صحیح مسلم، بیروت: دارالمعرفه، ج ۸.
۴۲. معصومی‌نیا، علی (۱۳۸۳)، «بازار مطلوب، رقابت کامل»؛ در مجله اقتصاد اسلامی، سال چهارم، ش ۱۵، صص ۸۰-۵۵.
۴۳. مک‌فرسون، سی. بی (۱۳۶۹)، جهان حقیقی دموکراسی، مجید مددی، تهران: نشر البرز، اول.
۴۴. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۰)، نظام اقتصادی اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۴۵. نظرپور، محمدنقی (۱۳۸۰)، «بازار»، در دانشنامه امام علی (ع)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۷، ص ۵۱۲ به بعد.
۴۶. نظری، محسن (۱۳۸۹)، اقتصاد خرد، تهران: انتشارات پوران پژوهش، چاپ دهم.
۴۷. نوری طبرسی، شیخ حسین (۱۴۲۹)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، لبنان: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، چاپ چهارم.
۴۸. یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۶)، نظام اقتصاد علوی (مبانی، اهداف و اصول راهبردی)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۹. Eatwel, John, "Competition: Classical Conceptions," in *The New Palgrave: A Dictionary of Economics*, Vol. ۱, ۱۹۸۹, pp. ۵۳۷-۴۰.
۵۰. Schnitzer, Martin C., *Comparative Economic Systems*, South-Western College Publishing, ۲۰۰۰.
۵۱. Stigler, G. J., "Competition," in *The New Palgrave: A Dictionary of Economics*, Vol. ۱, ۱۹۸۹, pp. ۵۳۱-۵.